



مهدی مهربان، بازیکن و مربی سخت‌کوش فوتبال
تلاش می‌کند اتفاق شیرین زندگی‌اش برای بچه‌های توس هم رقم بخورد

خدا به من پاس گل داد



سال ۱۳۸۱ - عضویت در تیم آموزش و پرورش ناحیه ۷ مشهد

توپ و پیدا کردن تیم در محله برای بازی بود. ذوق این پایه‌توپ شدن که با او به همه جامی رفت و حتی طرد شدن و کتک خوردن از خانواده را هم به جان می‌خرید. همان روزها او را تبدیل به بازیکنی کرد که در یازده سالگی نامش وارد لیست تیم سایپا در مشهد شد. مسیر فوتبال حرفه‌ای برای او بالا و پایین بسیار داشته است. اما حالا که در کسوت مربی قرار گرفته، دوست دارد بچه محل‌های فوتبال‌لیستش همیشه بالا باشند. او آکادمی خودش را در بولوار شاهنامه فقط با یک هدف ایجاد کرده است: شناسایی و پرورش استعداد های حاشیه شهر.

فاطمه شوشتری برای مهدی هم مثل خیلی از پسرها، فوتبال از زمین خاکی و آسفالت جلو خانه شروع شد. از ساعت هادویدن پشت توپ پلاستیکی چندلایه‌ای که خودش درستش کرده بود و از ترس ناپدید شدن تمام دسترنجش، هزار جا پنهانش می‌کرد تا نکند با چاقو پاره شود. مهدی آن روزها در عالم خواب هم مثل بیداری، رؤیای توپ زدن در بزرگ‌ترین تیم‌ها و بهترین باشگاه‌ها را می‌دید. روزهایی که به خاطر بازی خوبش در کوچه و مدرسه، همه دلشان می‌خواست هم تیمی او باشند. این رؤیای بزرگ برای شهروند محله چهار برج، مانع بزرگی هم داشت: سدی به اسم خانواده که مخالف بازی فوتبال او بودند و می‌گفتند «فوتبال برای تونان و آب نمی‌شود». اما گوش مهدی به این حرف‌ها بدهکار نبود و همه حواسش پی

کتک خوردم، اما دست از فوتبال نکشیدم

مخالف بازی فوتبال بودند و سعی می‌کردند منصرفم کنند. وقتی از تمرین برمی‌گشتم و متوجه می‌شدند که فوتبال بازی کرده‌ام برادرم کتکم می‌زد و می‌گفت «دیگر ننیم پایه‌توپ شوی.» او ادامه می‌دهد: از طرف دیگر چون موافق این راه نبودند، از نظر مالی هم حمایت نمی‌کردند. خودم را به سختی به تمرین می‌رساندم و خیلی اوقات از سر نداشتن کرایه راه، کلی پیاده می‌رفتم تا به محل تمرین برسم. با وجود همه این سختی‌ها، هیچ وقت ناامید نمی‌شدم. البته آقای شریفی هم خیلی همراهان بود. او همه انگیزه ما بود و در کنار فوتبال، حتی مهارت‌ریت می‌کرد و اخلاق یادمان می‌داد.

شد: تیمی که آن سال هادر مسابقات آموزشگاه‌های مشهد مقام آورد. گریزش به آن سال‌ها را با انتخابی تیم فوتبال ناحیه ۷ مشهد شروع می‌کند و می‌گوید: من عشق فوتبال بودم. اما با کمک‌های مربی خوبم، سعید شریفی، راهم را پیدا کردم. خوب یادم است طوری با ما تمرین می‌کرد که فکر می‌کردیم در استاد یوم آزادی بازی می‌کنیم. با این تمرین‌ها وقتی گروهی برای انتخابی تیم ناحیه ۷ آموزش و پرورش به زمین چمن شهدای لشکر آمدند. آن قدر خوب توپ زدیم که باسن و سال کم از تیم ماد و نفر انتخاب شد. یکی از آن‌ها من بودم. آن روزها پدر و برادرهایم که همه بزرگ تراز من بودند،

مهدی مهربان، مشهدی نیست. سال ۱۳۷۰ در سرخس به دنیا آمد و از کلاس دوم دبستان همراه خانواده ساکن مشهد شدند. قبل از آمدن به مشهد در کوچه‌های خاکی و آسفالت فوتبال بازی می‌کرد. اما بعد از ساکن شدن در قاسم آباد برای اولین بار پایش به زمین چمن باز شد. از سر عشق به توپ در زمین چمن شهدای لشکر ثبت نام و شروع به تمرین زیر نظر سعید شریفی کرد. با این پشتوانه وقتی وارد کلاس سوم شد، آن قدر خوب توپ می‌زد که کاپیتان تیم فوتبال مدرسه

فوتبال و اخلاق را با هم

امیرعلی قاسمی دوازده سال از یک سال قبل، به دنبال ت آکادمی او ثبت نام کردند. امیرعلی از پیشرفتش در فوتبال مهربان برای آن‌هاست. او می‌گوید: آقای مهربان مربی بهترین باشیم، حتی پیگیری و می‌رود مدرسه تا وضعیت از طرف دیگر روی مسائل تربیتی را بلند کند یا رفتار ناپسندی که باعث در فوتبال جبران بچه‌ها می‌گوید این است.



عضویت در تیم الوند همدان